

جاودانه‌ها (۲)

چاپ هشتم

ششصد ترانه و تصنیف خاطره انگیز

به انضمام

سرودها، ترانه‌های محلی،

ترانه‌های عروسی و لالایی‌ها

گردآورنده: سعوزر کر



جاودانه ها (۲)

گردآورنده: مسعود زرگر

خوشنویسی روی جلد: استاد بیژن بیژنی

عکس ها از: نشریه های مختلف قدیمی، کتابهای: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (حبيب الله نصیری فر). چهره های موسیقی ایران (شاپور بهروزی). قصه شمع (اسماعیل نواب صفا). سالنامه های موسیقی سالهای ۱۳۷۳، ۱۳۷۹ (علیرضا میرعلینقی). آلبوم شخصی هنرمندان، آلبوم شخصی نگارنده و دوستان.

تهران، خیابان انقلاب بین ۱۲ فروردین و منیری جاویدت پاساژ اندیشه
طبقه همکف ت پلاک B10

تلفن: ۶۶۴۸۷۸۸۳ - ۰۹۳۰۹۸۷۰۴۸۵



ariana_music_shop

۰۹۳۰۹۸۷۰۴۸۵



مراکز پخش:

پخش مرکزی - پخش آریانا (فرهنگسرای ماهور)

تلفن: ۶۶۴۸۷۸۸۳ - ۰۹۳۰۹۸۷۰۴۸۵

نشر دوستان: ۶۶۴۰۰۹۸۷ - ۶۶۴۸۰۵۶۹

مرکز گسترش: ۷۷۳۵۱۶۳۲ - ۷۷۳۵۴۱۰۵

پخش صدای معاصر: ۶۶۹۷۸۵۸۲ - 30book.com

حق چاپ و نشر برای گردآورنده محفوظ است.

آنچه می خوانید

۱۱ سخن ناشر
۱۳ سخن گرد آورنده
۱۵ دربارهٔ این مجموعه
	طرح تدوین فرهنگ جامع تصنیف ها، ترانه‌ها، سرودها، ترانه های محلی، ترانه های عروسی و ... از ابتدا تا کنون
۱۷
۱۹ مروری بر ترانه ها و تصنیف های صد و پنجاه سال اخیر
۳۲ تصنیف سازان و ترانه سرایان قبل و بعد از مشروطیت
۴۳ تصنیف سازان و ترانه سرایان قبل از تأسیس رادیو
۴۴ خوانندگان تصنیف، ترانه و آواز از سال ۱۳۰۰ به بعد
۴۷ فهرست تاریخی و الفبایی ترانه ها و تصنیف ها
۹۳-۶۱۶ متن ترانه ها و تصنیف ها
۶۱۷-۶۴۹ متن سرودها
۶۵۱-۶۷۴ متن ترانه های عروسی
۶۷۷-۶۸۶ لالایی ها
۶۷۹-۸۲۶ متن ترانه های محلی
۸۲۷ ترانه سرایان بعد از تأسیس رادیو
۸۳۵ فهرست الفبایی مطلع ترانه ها، تصنیف ها و ...
۸۶۱ منتخبی از ترانه ها و تصنیف ها در دستگاه های موسیقی ایران

مروری بر ترانه‌ها و تصنیف‌های صدوپنجاه سال اخیر

تصنیف‌های دیروز یا تصنیف‌های امروزه که در دوره ادبی معاصر جایگاهی دیگرگونه یافته‌اند، تفاوت‌های عمده‌ای دارند: **جلال‌الدین همایی** درباره «تصنیف» چنین نوشته‌اند: کلمه «تصنیف» به تعبیر «تصنیف قول» و «تصنیف صوت» و «تصنیف عمل» و نظایر آن یعنی ساختن نغمه و آهنگ، بسیار آمده است و تدریجاً در اثر استعمال، مضاف‌الیه «قول» و «صوت» و «عمل» حذف شده و لفظ «تصنیف» تنها و بدون ذکر مضاف‌الیه در معنی آهنگ‌سازی و تصنیف صوت و قول و غزل، مصطلع و متداول گردیده است^۱.

درباره «تصنیف و تاریخچه اجمالی اخیر آن» **یحیی آرین‌پور** در کتاب از «صبا تا نیما» چنین آورده‌اند:

«اصطلاح تصنیف که از قرن دهم هجری شایع شده و شاید از قرن هشتم و نهم پدید آمده^۲، جانشین اصطلاح «قول» و «غزل» عهد اول بعد اسلام است و در

۱. غزل و تحول اصطلاحی آن در قدیم و جدید. مجله یغما، سال ۱۳، شماره ۲، اردیبهشت

۱۳۳۹، جلال‌الدین همایی.

۲. دولتشاه می گوید که: ابن هشام (متوفی به سال ۷۳۸ هـ. ق) مستزاد زیر را نوشت که

عبدالقادر عودی (عبدالقادر مراغه‌ای) بر آن تصنیفی ساخت

اصطلاح شعرا و آهنگسازان قدیم عبارت بوده است از نوعی شعر لحنی که دارای وزن عروضی و ایقاعی هر دو باشد، یعنی بر حسب ظاهر با سایر اشعار معمولی تفاوتی نداشته، اما از جهت انتخاب وزن و ترکیب الفاظ، دارای این صفت و خاصیت باشد که با الحان موسیقی و نغمات زیر و بم ساز و آواز جفت و دمساز گردد.

تصنیف‌هایی که در عهد صفویه رایج و متداول بوده، مانند تصنیف‌های کنونی، هجایی نبوده و با شعر عروضی هماهنگی داشته است.

متأسفانه این نوع تصنیف‌ها یا اشعار همراه با آهنگ و موسیقی ایرانی را کسی جزو ادبیات به شمار نیاورده و در دواوین و تذکره‌ها ثبت نکرده و هویت گویندگان آنها، غالباً بر ما مجهول است. با این همه، نمونه‌هایی از این گونه تصنیف‌ها در کتاب‌های آن عهد مانند تذکره نصرآبادی و گلستان هنر، تألیف قاضی احمد بن میرمنشی، نقل شده که از آن جمله است، تصنیف «نیشابورک» از ساخته‌های هادی دیلمی:

مراگفتی چو من یاری نداری تو هم چون من گرفتاری نداری
چه دانی حال زار بیدلان را که بر دل داغ دل‌داری نداری
نباشد غیر آزار منت کار که جز آزار من، کاری نداری

نادر میرزا صاحب تاریخ تبریز در ترجمه صائب تبریزی، از قول آذر بیدگلی گوید که این بیت مشهور که بیشتر بر آهنگ زنند، از اوست:

به حوالی دو چشمش به حشم بلا نشسته

در حضرت شاهی

جز ناله و آهی

(زیر نویسی از آرن پور است)

آن کیست که تقریر کند حال گدا را

از غلغل بلبل چه خبر باد صبا را

چو قبیله گردد لیلی، همه جا به جا نشسته

و نیز شاه‌امرادخوانساری (متوفی به سال ۱۰۳۸ ه. ق.) از شعرای تصنیف ساز شاه عباس صفوی، این تصنیف را در مقام دوگاه و نوروز و صبا ساخته بوده و به گفته نصرآبادی، شاه عباس او را تشویق کرده و خلعت و انعام داده است:

صد داغ به دل دارم، زان دلبر شیدایی

آزرده دلی دارم، من دانم و رسوایی

صاحب تذکره بعد از ترجمه حال خوانساری می گوید: «اکثر تصانیفش شعر است» و از این گفته برمی آید که در عهدصفوی، تصنیف‌های اخیر عروضی، نظیر تصنیف‌های امروزی نیز معمول و رایج بوده است.

تصنیف‌هایی که بعد از دوره صفوی ساخته شده تا حد زیادی از وزن اشعار عروضی آزاد هستند ولی غالباً به طور کلی وزن عروضی، لازمه آنها نیست و بنیاد آنها بر شماره هجاهاست. چنان که ژوکوفسکی، خاورشناس روس، از آنها «به نثر ساده ضربی» تعبیر کرده است.^۱

گذشته از این، تصنیف برخلاف شعر ادبی که خاص خواص بوده، تعلق به طبقات عامه دارد و بنابر قواعد دستوری که در شعر ادبی، عدول از آنها قابل اغماض نیست، در تصنیف‌ها چندان رعایت نمی شود و بالاخره چون موسیقی جزو لازم و غیر مفارق آن است، شکل تصنیف بیشتر تابع آهنگ (Melody) است.^۲

۱. ژوکوفسکی، نمونه‌های ادبیات فارسی

۲. موسی خورنی مورخ ارمنی که در قرن پنجم میلادی می‌زیسته، از تصنیف‌ها و ترانه‌هایی خبر می‌دهد که هموطنان او با آهنگ بامبیرون (چنگ، رباب؟) درکوی و برزن می‌خوانده‌اند و به گفته همان مورخ در زمان او، داستان‌های بیوراسب (ضحاک) و فریدن و رستم سگزی (که زور

یحیی آراین‌پور دربارهٔ محتوا و موضوع تصنیف چنین می‌نویسد:

«موضوع تصنیف گاهی عشق و عاشقی و وصف بی‌وفایی معشوق و شرح حال زار عاشق و ستایش گل و زیبایی و شراب است. این خصوصیات، تصنیف را به غزل‌های عرفانی نزدیک می‌سازد و یک نوع لطف و اصالت به آن می‌دهد و گاهی شوخی و طبیت و یا تمجید و بدگویی از اشخاص و اوضاع است. این گونه تصنیف‌ها، همیشه غرض و مأموریت خاصی دارند و تقریباً همه وقت به زبان محاوره عمومی ساخته می‌شوند، معهداً از هنر شعری مخصوصی برخوردارند و احیاناً در ضمن آنها افکار بلندی دیده می‌شود که با بیانی ساده و بدون شاخ و برگ شاعرانه، ادا شده است ...

سرایندگان [تصنیف‌ها] غالباً شناخته شده نیستند و چون تخلص و نام و نشانی از خود باقی نمی‌گذارند هویت آنها، برای همیشه مجهول می‌ماند. تصنیف‌ها از زبان اکثریت مردم و برای خود مردم سخن می‌گویند و در آنها احساس بر فکر غلبه دارد.

تصنیف به صورت کنونی یک پدیدهٔ نسبتاً جدید در ادبیات ایران است و می‌توان گفت هنگامی که شعرپارسی از دربار سلاطین قدم بیرون نهاد و به دست مردم کوچه و بازار افتاد، شکل تصنیف را برای خود انتخاب کرد و بعد از دوران مشروطیت، شعرا و گویندگان توجه بیشتری بدان معطوف داشتند، و جنبهٔ ادبی و

صدو بیست پیل داشته) در میان مدم ارمنستان دهان به دهان می‌گشته است. به گفتهٔ هانری ماسه وزن اشعار قدیم ایرانی بر شمارهٔ هجاها نهاده شده بود نه بر محور عروضی و بنابراین در میان شعر قدیم ایرانیو تصنیف‌های جدید، شباهت کاملی وجود داشته و شاید اشعار ایرانیان باستان همه به شکل تصنیف بوده است. (زیرنویس از یحیی آراین‌پور - از صبا تا نیما).

Les Eternels (2)

*600 chansons et melodies
rafraichissant La memoire
suivi
des hymnes, des chants
locaux
et des berceuses*

*Compilateur
Massoud Zargar*



ISBN : 978-600-95243-0-3



9 786009 524303